

سعید ساوینز: امچ اندازی کرونا و نفت



خیلی‌ها بر این باورند که بحران کنونی اقتصادی پس از بحران ۱۹۳۰ در جهان بی‌مانند است و از بسیاری جهات با آن بحران مقایسه می‌شود. بحران ۱۹۳۰ همان رکود بزرگ اقتصادی جهانی است که سبب شد نظریه کینز در اقتصاد جهت فرار از رکود به کار برده شود. در ایران این بحران با کاهش سهم دریافتی از عایدات شرکت نفت ایران و انگلیس خود را بروز داد و اعتراضات سرانجام به قرارداد ۱۹۳۳ ختم شد، اما برای اینکه بدانیم این بار در دنیا چه خبر است و این بحران به کجا ختم می‌شود و البته پاسخ به این سؤال که وضع بازار نفت با کاهشی حدود ۱۹ میلیون بشکه در روز به کجا خواهد رسید، بهتر است ابتدا نگاهی به وضعی پیش از توافق اوپک و گروه ۲۰ بیندازیم.

بحران کرونا در جهان با تکیه بر دو ستون در حال گسترش است؛ ابتدا کاهش تقاضا به دلیل کاهش استفاده از حمل‌ونقل و همچنین تعطیلی مشاغل مختلف که سبب وجود مازاد نفت ۲۰ تا ۳۰ میلیون بشکه در بازار شد و دوم کاهش سرمایه‌گذاری به دلیل افزایش شاخص ترس که آن نیز به نوبه خود به کاهش قیمت نفت کمک زیادی کرد. سقوط تاریخی قیمت نفت، انواع نفت‌های گران از جمله نفت شیل را در معرض ورشکستگی و نابودی قرار داد.

نفت شیل تا همین جای کار نیز حدود ۲۰۰ میلیارد دلار بدهی به وام‌دهنده‌ها دارد و اگر نتواند آن را پرداخت کند، بیم آن می‌رود که وام‌دهنده‌ها با مصادره دارایی‌های موجود بدهی خود را باز پس گیرند و البته این به مراتب بهتر از شرایطی است که این شرکت‌ها مجبور شوند دارایی خود را در بازار به فروش برسانند، چراکه در این صورت مجبور می‌شوند به حداقل قیمت این کار را انجام دهند. جز آمریکا و کانادا همه کشورهای که اقتصادشان متکی به فروش نفت است بیم آن دارند درآمدهایشان کاهش یابد و این برای بودجه سال جاری اکثر این کشورها مانند فاجعه است. کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین و همچنین بخش اعظم آسیا که اقتصاد شکننده دارند و همین حالا هم با معضلاتی چون فقر عمومی و زاعه‌نشینی مواجه هستند پیش از بقیه دچار مشکلات خواهند شد. در چنین شرایطی نشست فوق‌العاده اوپک و همکاران

برگزار شد، روسیه تن به توافق نداد و شروطی را برای نفت شیل مشخص کرد، عربستان جنگ کاهش قیمت را آغاز کرد و وعده داد تولید خود را هر چه بیشتر افزایش دهد و اقدام به ارائه تخفیفها، مشوقها برای فروش نفت در بازارهای جدید کرد و همچنین هر آنچه میتواند مخزن و ابرتانکر برای ذخیره نفت اجاره کرد.

نفت با این اقدامهای هیجانی به مرز کانال ۲۰ و ۳۰ دلاری سقوط کرد و حتی تصمیم دوباره اوپک و همکاران در حضور نماینده نفت تگزاس برای کاهش ۱۰ میلیونی نتوانست جلو سقوط نفت را بگیرد. اگرچه پیش از این نشست توثیت ترامپ سبب جهشی قابل توجه در قیمت نفت شد، اما همین که مشخص شد عزم هیچکس برای کاهش تولید واقعی جزم نیست، دوباره کاهش قیمت ازسر گرفته شد. حالا درست در لحظه‌ای که بسیاری گمان میکردند دیگر خیلی دیر است و باید به نفت اجازه دهیم تا ۲۰ دلار سقوط کند و به نقطه سر به سر خود برسد و از آن پس به فکر احیای قیمت باشیم؛ اوپک و همکاران و جی ۲۰ و البته بخش دیگری تحت عنوان کاهش داوطلبانه تصمیم گرفته‌اند حدود ۱۹ میلیون بشکه از تولید در بازار بکاهند، شاید بتوانند بحران کنونی را مهار کنند و از ادامه سقوط قیمت جلوگیری به عمل آورند.

با توجه به وجود بحران، بالا بودن شاخص ترس و شدت کاهش تقاضا در بازارهای بزرگ، سخت بتوان پیش‌بینی کرد این اقدام سبب کنترل سقوط قیمت در بازار شود. فقط کافی است بدانیم تقاضا برای نفت در هند که سومین خریدار بزرگ نفت در جهان است حدود ۷۰ درصد کاهش داشته است. به صراحت میتوان پیش‌بینی کرد بازگشت اقتصاد به شرایط قبل مستلزم زمان خواهد بود و اگر از همین فردا هم کرونا و ترس آن در جهان از بین برود، بازگشت به روزهای اوج به این راحتی‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود و نیاز به همکاری عمومی و جهانی خواهد داشت.

سعید ساويز